بررسی حیات سیاسی ابوالقاسم سرحدی‌زاده در گفت‌وگو با
فرخ نگهدار، جواد منصوری، خسرو تهرانی، حسین کمالی، داوود رضایی، محمدکاظم موسوی‌بجنوردی و محمد میرمحمدصادقی

خاطراتی از یک مبارز

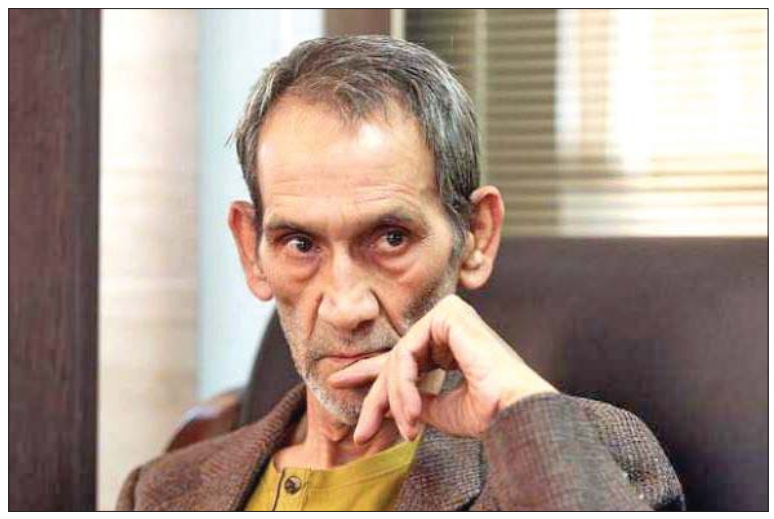

امیرحسین جعفری: امروز نخستین سالگرد درگذشت ابوالقاسم سرحدی‌زاده است؛ فردی که فصل تأمل‌برانگیزی در انقلاب و فضای پس از آن است. از حزب ملل اسلامی و مبارزه مسلحانه با شاه تا رویکرد و برخورد مردمی در مسئولیت‌های پس از انقلاب و روحیه انتقادی از خصوصیات دوران حیات سیاسی سرحدی‌زاده شمرده می‌شود. سرحدی‌زاده در زمان پیوستن به این تشکیلات کمتر از ۱۸ سال داشت و دو سال بعد در مهرماه ۱۳۴۴ بابت فعالیت در چارچوب همین تشکیلات به همراه ۵۴ نفر دیگر از اعضای حزب مانند محمدجواد حجتی‌کرمانی، جواد منصوری و عباس آقازمانی معروف به ابوشریف دستگیر شد. او از آن تاریخ تا زمان انقلاب در سال ۵۷ را در زندان سپری کرد؛ درحالی‌که به همین دلیل نتوانسته بود تحصیلاتش در مقطع دبیرستان را به پایان برساند. سرحدی‌زاده پس از انقلاب با تشکیل سپاه پاسداران بلافاصله همکاری‌اش را با این نهاد آغاز کرد. در همان زمان هم به دلیل اشراف به وضعیت زندان‌ها به خاطر سال‌های طولانی حبس در دوران رژیم سابق به ریاست شورای سرپرستی سازمان زندان‌ها رسید. عضویت در شورای سرپرستی و قائم‌مقامی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی هم از دیگر تجربه‌های او بود؛ اما اوج حضور سرحدی‌زاده در رأس سیاست از سال ۶۲ آغاز شد؛ از جایی که احمد توکلی، وزیر کار و امور اجتماعی دولت وقت، از سمت خود استعفا داد و میرحسین موسوی، نخست‌وزیر، او را به‌عنوان وزیر پیشنهادی به مجلس معرفی کرد. سرحدی‌زاده از آن تاریخ تا آغاز دولت سازندگی یعنی تابستان سال ۶۸ در این سمت باقی ماند. سرحدی‌زاده در کارنامه سیاسی خود تجربه پارلمانتاریستی هم دارد؛ او نماینده ادوار سوم، پنجم و ششم مجلس از حوزه انتخابیه تهران بوده. در مجلس ششم ریاست کمیسیون اجتماعی هم به او واگذار شد؛ اما از همین دوره بر اثر سکته مغزی فعالیت‌های سیاسی‌اش زیر سایه وضعیت جسمانی‌اش قرار گرفت. او سال ۷۶ هم‌زمان با تأسیس حزب اسلامی کار به‌عنوان اولین دبیرکل این تشکل سیاسی هم انتخاب شد؛ اما بخش عمده سال‌های ۸۳ تا ۹۲ را در حاشیه سیاست و مدیریت کلان گذراند تا اینکه در مهرماه سال ۹۲ با حکمی که علی ربیعی، وزیر سابق کار به‌عنوان مشاور برای او صادر کرد، قدری بیشتر به حوزه سیاست نزدیک شد؛ اما این نزدیکی آن‌چنان نبود که او را به میدان فعالیت سیاسی برگرداند. در نهایت او در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۹۹ بر اثر بیماری درگذشت. به مناسبت اولین سالگرد درگذشت او با فرخ نگهدار، رهبر سابق سازمان فداییان خلق اکثریت، جواد منصوری، اولین فرمانده سپاه، خسرو قنبری‌تهرانی، معاون امنیتی شهید رجایی، حسین کمالی، وزیر کار دولت هاشمی، داود رضایی، از اعضای حزب ملل، سیدمحمدکاظم موسوی‌بجنوردی، رئیس دایره‌المعارف اسلامی و محمد میرمحمدصادقی، وزیر کار دولت شهید رجایی گفت‌وگو کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

نگهدار: همیشه با مارکسیست‌ها میانه خوبی داشت

فرخ نگهدار درباره سرحدی‌زاده به «شرق» گفت: «من در سال‌های ۴۲ تا ۴۴، وقتی دانش‌آموز دبیرستان دارالفنون و مروی بودم، با محمدجواد سیفیان، مربوط بودم، او دو، سه سال از من جوان‌تر بود. سیفیان و برادرش عضو حزب ملل اسلامی بودند. جواد از من دعوت به پیوستن کرد. من گفتم فقط به شرطی که هیچ‌کس دیگری از موضوع اطلاع نداشته باشد حاضرم. کمتر از دو سال با هم کار کره بودیم که خبر شدم ده‌ها نفر از آنها که در کوه‌های شاه‌آباد در شمال شرق تهران، پناه گرفته بودند، در محاصره پلیس قرار گرفتند و بازداشت شدند. برادر سیفیان هم جزء بازداشتی‌ها بود؛ اما نام من برده نشد و به‌اصطلاح قسر دررفتم. حدود دو سال بعد گروه جزنی لو رفت و من، که آن زمان ۲۰ ساله بودم، با لورفتن گروه جزنی همراه با ۱۳ نفر دیگر بازداشت شدیم. سال بعد، وقتی ما را به زندان شماره سه قصر منتقل کردند، ده‌ها نفر از اعضای حزب ملل اسلامی هنوز در آنجا بودند. کاظم سیفیان آزاد شده بود و من فقط نام جواد و برادرش احمد منصوری برایم آشنا بود، از محافل دانش‌آموزی مرتبط با دبیرستان مروی. ابوالقاسم سرحدی‌زاده و کیوان مهشید از نخستین اعضای حزب ملل اسلامی بودند که با هم رفیق شدیم. آنها با مارکسیست‌ها هیچ‌گونه مشکل شرعی نداشتند. به همت گروه جزنی و با همیاری زندانیان یک زمین والیبال خیلی شیک در حیاط مثلثی زندان ساخته شد و ما با بچه‌های حزب ملل والیبال می‌زدیم و چقدر صمیمانه و خوب. ابوالقاسم که ما او را ابولی صدا می‌زدیم، بدن لاغر و کف دست کشیده و بلند داشت و لامصب‌گویان با کف دست آبشار می‌زد و کیف می‌کرد. وقتی ما وارد شدیم با صحبت‌هایی که با مقامات زندان شده بود، غذای زندان را خشکه می‌گرفتیم. حاج مهدی عراقی رابط بین زندانیان و آشپزخانه بود. هر روز صبح شقه گوسفند و گونی سیب‌زمینی و پیاز و حبوبات و برنج را به او تحویل می‌دادند و او آن را بین کمون‌ها تقسیم می‌کرد. ابولی از طرف مذهبی‌ها و من از طرف چپ‌ها دو نفری قصاب بند بودیم. هر روز موظف بودیم که گوسفند درسته را قصابی و سهم هر کمون را تعیین کنیم. من از او یاد گرفتم که چطور باید بند استخوان‌ها را از هم جدا کرد. ابولی از صاف‌ترین و بی‌غش‌ترین چهره‌های زندان بود. سوت می‌زد محشر و یادم می‌آید که جواد منصوری خم به ابرو می‌آورد که چه کار لغوی. او انسانی مهرجو و کاملا بی‌تعصب بود. همیشه با مارکسیست‌ها میانه خوب و صمیمی داشت و مارکسیست‌ها هم حساب او را از دیگران جدا می‌کردند. او در سال‌های دهه ۶۰ مخلص میرحسین بود و تا آخر عمر هم نبخشید پشت‌کردن هاشمی به جناح چپ و سازشش با جناح راست را. آن‌قدر حرص خورد که مجلس ششم را به پایان نبرد و با سکته مغزی در پنجاه‌وچندسالگی خانه‌نشین شد. ابولی در همان اوان انقلاب که ما فداییان درگیر حفظ مشروعیت و کسب حق فعالیت قانونی بودیم، واسط ما و حکومت بود. از جمله روزی به او زنگ زدم که قرار ملاقاتی با بنی‌صدر بگیرد که درباره ضرورت همکاری برای تأمین صلح در کردستان با او صحبت کنیم. او گفت انتخاب شما اشتباه است. به دیدن بهشتی بروید، هم عاقل‌تر است و هم صاحب‌اختیارتر. خودش برای ما با بهشتی که رئیس شورای عالی قضائی بود، قرار گذاشت و من و مصطفی مدنی به دیدارش رفتیم. چند سال پیش بود که شنیدم بر اثر عوارض سکته مغزی حال و روز مناسبی ندارد. در یکی از سفرهای همسرم صبا به ایران، او به توصیه من به دیدار و احوال‌پرسی‌اش رفت و نیز برای ابراز قدردانی مجدد از نگاه همدلانه و مثبتی که او در آن روزهای سخت با فداییان خلق داشت؛ اما مهم‌ترین ویژگی شخصیتی ابوالقاسم سرحدی‌زاده اخلاصش با مردم زحمتکش و تعلق عمیقش به طبقه کارگر بود. حس مثبت و دلسوزی او برای زحمتکشان عجین با تجربه در زندگی شخصی بود. ابوالقاسم سرحدی‌زاده چپ‌بودن را در دانشگاه و از کتاب‌های فلسفی و سیاسی برنگرفته بود. او از دل همین مردم زحمتکش برخاسته بود و همیشه تا آخرین روزهای عمر به طبقه‌ای که از آن برخاسته بود، وفادار ماند. وزارت و وکالت هرگز او را از خود بیخود نکرد».

تهرانی: هم‌سفره زندانیان می‌شد

خسرو قنبری‌تهرانی هم در گفت‌وگو با «شرق» سرحدی‌زاده را چنین روایت می‌کند: «مرور و ارزیابی کارنامه سیاسی-اجرائی مرحوم ابوالقاسم سرحدی‌زاده دست‌کم برای من امری سهل و ممتنع است. رفاقت و قرابت با ایشان بررسی عملکرد و راه رفته ایشان را آسان می‌سازد اما نقد آن مرحوم را دشوار می‌کند؛ هرچند به غایت معتقدم عملکرد سرحدی‌زاده جز در مسیر نیکی و نیک‌خواهی و اصلاح‌جویی نبوده است. زندگی ابوالقاسم سرحدی‌زاده را می‌توان ذیل سه سرفصل بررسی کرد؛ اولین آنها دوران مبارزه مسلحانه پیش از انقلاب، پیگیری آرمان‌های عدالت‌خواهانه و مآلا زندان طولانی‌مدت است. دیگری، دوران پس از انقلاب و مسئولیت در سازمان زندان‌ها، وزارت کار و نمایندگی مجلس است و آخرالامر، دوران انزوا و کناره‌گیری ناشی از نارضایتی از وضع موجود. یکم. جوانی سرحدی‌زاده در مسیر مبارزه مسلحانه و پیگیری آرمان‌های عدالت‌خواهانه سپری شد. دستگیری در دوران جوانی و تحمل حبس طولانی‌مدت عموما جهان‌بینی انسان و خلق‌وخویش را دست‌خوش تغییراتی اساسی می‌کند. اما این گزاره‌ها درباره سرحدی‌زاده صادق نبود! حضور طویل‌المدت وی در زندان رئوفت قلب و روحیه شاداب را از وی نگرفت و بالعکس از او شخصیتی عاطفی، دغدغه‌مند و به‌معنای واقعی «جوان» ساخت. جوانی که جوانی‌اش سرکوب شده بود اما دوستانش از جمله من را به سفرهای نسبتا بلند آن‌هم با موتورسیکلت دعوت می‌کرد. این روحیه شاداب حتی پس بروز عوارض سکته نیز ادامه داشت و زمین‌گیری و افسردگی بر او غلبه نکرد. دوم. سرحدی‌زاده پس از انقلاب سرپرستی سازمان زندان‌ها را عهده‌دار شد؛ چه تصادفی! زندانی، حال زندان‌بان شده بود. دوره مسئولیت وی در این کسوت دوره‌ای به‌غایت متفاوت و استثنائی بود. زندان‌بانی که به‌حد وسع رابطه زندان‌بان-زندانی را متحول کرد، خود هم‌سفره زندانیان شد و نوعی از احترام، نه از سر اجبار بلکه از سر رفاقت میان زندانیان و زندان‌بان‌ها پدید آورد. حتی تا سال‌ها بعد خود را جداشده از زندان و زندانی ندید و گویی زندان را برای خود «درونی» کرده بود و ازاین‌رو، دائم جویای احوال زندانیان پیشین می‌شد. هاضمه سرحدی‌زاده به حدی بود که پس از پیروزی انقلاب، از مرحوم سرتیپ اصغر کورنگی -رئیس زندان قصر- دعوت به‌عمل آورد تا ضمن انتقال تجربیات از پدیدآوردن زندانی مشابه زندان‌های عصر پهلوی پیشگیری کند. حضور در وزارت کار نیز از جمله نقاط برجسته کارنامه اوست. وزیری که نه‌تنها همواره دغدغه استیفای حقوق کارگران را داشت بلکه هیچ‌گاه خود را مافوق آنان محسوب نمی‌کرد و مانند یک کارگر، خود را در تراز آنها می‌دید و حتی در شیوه پوشش نیز رنگ و بوی وزارتخانه به خود نگرفت. سوم. نمایندگی مجلس ششم ایستگاه پایانی فعالیت سیاسی مرحوم سرحدی‌زاده بود. حکایت آن مجلس، مواضع نمایندگان آن و مواجهه حاکمیت با آن از جمله نقاط پرسش‌برانگیز است که پرداختن به آن از حوصله این نوشته خارج است. سرحدی‌زاده با خروج از آن مجلس عطای سیاست را به لقایش بخشید و دوران حاشیه‌نشینی نقادانه‌اش را آغاز کرد. سرحدی‌زاده در ایام انزوا به راه طی‌شده انقلاب و کنشگری‌های انقلابیون پیشین و شیوه‌های اداره حکومت به دیده انتقاد می‌نگریست و عمده سویه انتقاداتی گفتارش بیشتر متوجه سهم‌خواهی‌ها بود؛ امری که خود از آن بیگانه بود و هیچ‌گاه به بهانه‌هایی از قبیل «تکلیف شرعی» خود را به ساختار اداری کشور تحمیل نکرد».

منصوری: در زندان با همه جریانات سیاسی و فکری دوست بود

جواد منصوری هم می‌گوید: «در مهرماه ۱۳۴۴ که اعضای حزب ملل اسلامی اکثرا دستگیر شدند، چند نفری از آنها از دستگیری فرار کردند و به کوه‌های اطراف شمیران رفتند که آقای سرحدی‌زاده نیز از آنها بود که خب با دستگیری‌هایی که در منطقه دارآباد فعلی صورت گرفت، ایشان نیز دستگیر شد. همه اعضای دستگیرشده در زندان موقت شهربانی بودیم که ۵۵ نفر را به دادگاه معرفی کردند ما در همان زندان شهربانی با سه برادر سرحدی‌زاده آشنا شدیم؛ یعنی آقایان امیر و حسین سرحدی‌زاده که زندان بودند، من و برادرم احمد نیز آنجا بودیم. به‌هرحال آقای سرحدی‌زاده یک روحیه خیلی محبت‌آمیز، خون‌گرم، باعاطفه و نرمی داشت به‌طوری‌که تقریبا می‌توان گفت همه افراد ایشان را خیلی دوست داشتند و این‌طور نبود که از کسی گله کند و در زندان هم برنامه‌های خودش را داشت. جالب این است که حتی زندانیان غیرمسلمان هم نسبت به ایشان خیلی محبت داشتند و بنابراین در زندان آقای سرحدی‌زاده از لحاظ روابط با همه جریانات سیاسی و فکری دوست بود. سرحدی‌زاده آن‌قدر پینگ‌پنگش قوی بود، همه را در زندان می‌برد که از خصوصیات او بود. یک بار در زندان رئیس زندان به یک زندانی توهین کرد و سرحدی‌زاده به‌شدت با رئیس زندان برخورد کرد که چندروز هم به انفرادی رفت و این قضیه خیلی برای پلیس خوشایند نبود که یک زندانی این‌گونه جلوی رئیس بایستد. در دادگاهش نیز خیلی مسلط دفاع کرد و ابراز پشیمانی نداشت. ایشان در دادگاه به زندان ابد محکوم شدند و معنای این محکومیت این است که تا آخر باید در زندان باشند. ما به‌عنوان گروهی مسلح که قصد سرنگونی رژیم را داشتیم، به‌سختی شامل عفو و تخفیف می‌شدیم؛ به‌خصوص این چند نفری را که در درگیری مسلحانه دستگیر کرده بودند، اصلا شامل عفو نشدند و جزء آخرین افرادی بودند که در سال ۵۷ آزاد شدند. از ابتدای انقلاب نیز ایشان در کمیته و بنیاد مستضعفان و وزارت کار و کمیته مرکزی حزب جمهوری اسلامی حضور داشت، به‌این‌ترتیب در سال‌های اول انقلاب فعال بود و دوران خیلی پرفعالیتی داشت اما بعدها به‌دلیل شرایط جسمی و سیاسی به‌تدریج حضور فعال یا مستقیم کمتری داشت. احساس می‌کرد با روحیه مردمی و آرام او به‌راحتی نمی‌شود کار کرد و به‌این‌ترتیب عملا از سال ۶۸ به بعد مسئولیت فعال نداشت و بیشتر در دایره‌المعارف اسلامی فعالیت می‌کرد. تا سال ۶۵ هم در جلسات حزب جمهوری و گاهی در جلسات دایره‌المعارف و در چند مورد هم جلسات دوستان حزب ملل که سالی یک بار بود، ایشان را می‌دیدم ولی هیچ‌وقت همکاری در یک ردیف نداشتیم؛ من در سپاه بودم و بعد به وزارت خارجه رفتم اما ایشان در حوزه کاری دیگری فعال بود. ایشان حدود ۱۰ سال پیش سکته کردند که باعث شد حضور کمتری داشته باشند و بیشتر در منزل بودند تا اینکه سال گذشته از دنیا رفتند. نکته مهم این است که ایشان همچنان هم بر همان روحیه و اعتقادات و مشی مردم‌دوستی خودش تا آخر ایستاد با وجود اینکه متأسفانه بعد از انقلاب شاهد این بودیم که تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از افراد که قبلا در جریان مبارزه بودند، با امتیازات رانتی مقداری روحیات مردمی و عاطفی‌شان تغییر کرد. سرحدی‌زاده سال ۹۹ همان سرحدی‌زاده سال ۴۴ بود».

کمالی: به گرایش‌های مارکسیستی نزدیکی نداشت

حسین کمالی هم درباره سرحدی‌زاده چنین بیان می‌کند: «مرحوم سرحدی‌زاده از مبارزان پیش از انقلاب و عضو حزب ملل اسلامی بود و بعد از انقلاب نیز همکاری جدی و گسترده‌ای را با حزب جمهوری اسلامی آغاز کرد. در آن دوران من هم‌زمان مسئول بخش کارخانه‌ها و کارگری پیگیری شورای انقلاب بودم و عضو حزب جمهوری اسلامی با مرحوم سرحدی‌زاده که مسئولیت اداره زندان قصر را بر عهده داشت. در حزب جمهوری اسلامی همکاری و ارتباط داشتیم. به‌شدت تلاش می‌کرد حقوق طبقات فقیر مراعات شود و گروه ما با ایشان نوعی تعامل پیوسته داشت. در بحث قانون کار، قبل از اینکه ایشان به وزارت کار بروند، در دوران وزارت آقای محمد میرمحمدصادقی از سوی مؤسسه کار و تأمین اجتماعی پیش‌نویس لایحه لازم تهیه شده بود، اما بعدها وزیری که بعد از میرمحمدصادقی به وزارت کار آمد، اندیشه و سیاست‌های متفاوتی داشت که با طرح آن در جامعه کارگری، نظرات وزیر جدید مورد پذیرش جامعه کارگری واقع نشد و دولت دوباره پیش‌نویس لایحه مؤسسه کار و تأمین اجتماعی را مدنظر قرار داد که پس از تصویب در دولت، در لایحه‌ای به مجلس رفت و در مجلس شورای اسلامی با تغییرات زیادی روبه‌رو شد. در آن مقطع زمانی من به‌عنوان رئیس کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس فعال بودم و آقای سرحدی‌زاده وزیر کار بود. درباره لایحه قانونی کار اختلاف‌نظر گسترده‌ای بین ما و شورای نگهبان وجود داشت که با تهیه یک نامه از سوی آقای محمد سلامتی، معاون پارلمانی وقت وزارت کار به امضای مرحوم سرحدی‌زاده و دستور امام، مجمع تشخیص مصلحت نظام برای حل این اختلاف فکری و بنیادی شکل گرفت. موضوع در مجمع هم‌زمان با دوره‌ای که من وزیر کار شدم آغاز شد و در جلسات مجمع، من و گروهی از مدیران وزارتخانه نیز شرکت داشتیم که در نهایت مصوبه مجلس با تغییراتی به تصویب رسید. مرحوم سرحدی‌زاده در مقطع زمانی که وزیر کار بود، کاملا با جامعه کارگری همدل و همراه بود».

میرمحمدصادقی: ۱۳ سال از جوانی‌اش به مبارزه با رژیم شاه گذشت

محمد میرمحمدصادقی هم ذکر می‌کند: «اینکه برادرمان مرحوم ابوالقاسم سرحدی‌زاده از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ قریب ۱۳ سال از جوانی خود را به لحاظ مبارزه با رژیم منحوس و ضد آزادی و استقلال کشور در زندان‌های ستم‌شاهی گذراند، افتخار بزرگی است. اما آنچه او را از دیگران ممتاز می‌کرد، محسنات و شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری او بود. این مشخصه‌ها شامل خوش‌رویی، خوش‌برخوردبودن، صمیمیت، گرمی، شجاعت، مقاومت و طرفداری از حق و عدالت در کنار صدای خوش، بزله‌گویی، حضور موفق در مسابقات ورزشی مثل شطرنج، پینگ‌پنگ و والیبال و افتادگی هنگام برد، در جلب سایرین اعم از همفکران و دگراندیشان، داخل و خارج از زندان تأثیر بسزایی داشت؛ به نحوی که متقابلا نزد او احساس راحتی و صمیمت می‌شد و او را دوست داشتند. همین خصوصیات موجب توفیق مستقیم یا غیرمستقیم او در جذب قریب ۵۰ درصد از اعضا به حزب ملل اسلامی شد. همین خصوصیات متعالی و دفاع محکم او در دادگاه و بازجویی، موجب محکومیت ابد او شد. مطمئنا اگر آن‌گونه مقاومت و ایستادگی نمی‌کرد، محکومیت‌های بسیار کمتری می‌گرفت. جای توضیح است که افراد متعدد دیگری همچون آقایان محمدجواد حجتی‌کرمانی، کیوان مهشید و... نیز دفاعیات محکوم‌کننده‌ای داشتند که منجر به محکومیت به حداکثر شد. خصوصیات بارز و متعالی مرحوم سرحدی‌زاده موجب آن بود که رابطه صمیمانه‌ای با دگراندیشان داشته باشد و این رابطه حتی بعد از آزادی از زندان و استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز تداوم داشت؛ به نحوی که بارها نقطه اتصال افرادی همچون آقای فرخ نگهدار، آقای عمویی و... به مسئولان عالی‌رتبه نظام مثل شهید بهشتی شد. او حتی با زندانیان عادی ارتباط عاطفی و صمیمانه‌ای داشت که موجب می‌شد بتواند آنها را از لحاظ نحوه رفتار در محوطه زندان کنترل کند.

جای توضیح است که در برخی از موارد، برای آزار و تحقیر زندانیان سیاسی، محکومان عادی شرور را به محوطه‌های خاص زندانیان سیاسی (مثل زندان شماره ۳ که حزب ملل و محکومان پرونده قتل منصور مستقر بودند یا زندان شماره ۴ که مرحوم آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله منتظری، مهندس بازرگان و... مستقر بودند) می‌فرستادند. در کل مرحوم سرحدی‌زاده فردی اخلاقی، ضد تبعیض، قائل به مساوات و عدالت و حامی طبقات محروم بود و اسلام را با این نگاه انتخاب کرده بود. متأسفانه در چند سال آخر عمر توأم با مجاهدت، نسبت به شرایط نابسامان جامعه از لحاظ شکاف طبقاتی، فساد گسترده و کم‌توجهی به فلسفه تحقق انقلاب اسلامی نسبت به آزادی و... دل‌چرکین و نگران بود».

ادامه در صفحه ۳

ادامه از صفحه اول

آنچه از رئیس جدید دستگاه قضا انتظار می‌رود

شایسته است شناسایی و به‌کارگیری سرمایه‌های مستعد، خوش‌فکر، معتقد، انقلابی و صالح، به‌عنوان نقطه و محور هر اقدام تحولی دیگر در رأس اولویت‌ها قرار گیرد و بر تداوم آن مواظبت شود. شاید بیشترین ضربه به اعتماد عمومی تاکنون از وجود عناصر ناصالح، ضعیف‌النفس و ناکارآمد بوده است.

۳- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در امتداد مسیر تحول‌خواهی برای دستیابی به اهداف غیرقابل غفلت است و اکنون با مسیری که ترسیم شده، نمی‌تواند بدون هماهنگی با اسناد دیگر و سند چشم‌انداز کشور و برنامه‌های توسعه‌ای و سالانه به نتیجه برسد. آسیب‌شناسی گذشته در جهت دستیابی به اهداف جدید، مقوله‌ای اساسی و غیرقابل غفلت است که در مقاطعی از عمر دستگاه قضا با شدت و ضعف وجود و بروز داشته و با مسیر حساس و سرنوشت‌سازی که ترسیم شده است، نمی‌توان بدون توجه به آن موفقیت دیگری را متصور کرد. در این زمینه آسیب‌شناسی برنامه‌های جاری و هدف‌گذاری تحولات آتی با تکیه بر عناصر لایق و توانمند از ضروریات است.

۴- تحقق دو مقوله حسن جریان امور و اجرای صحیح قانون با ارتقای جایگاه نظارت و بازرسی و نگاه آینده‌نگرانه به مقوله بازدارندگی و اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم که امروزه باعث تحقق حکمرانی خوب در دیگر جوامع شده، باید به طور جدی در دستور کار قرار گیرد تا اصول ۱۷۴ و ۱۵۸ قانون اساسی به اجرا گذاشته شود، بدیهی است در این زمینه نمی‌توان با تکیه بر روندها و روش‌های گذشته آینده را طی کرد.

۵- حضور هوشمندانه و آنلاین در بسیاری از صحنه‌ها که مرتبط با وظایف، مسئولیت‌های قانونی و قضائی این دستگاه است نظیر عرصه‌های رسانه‌ای در داخل، مباحث حقوق‌بشری در خارج، بازرسی و نظارت در حوزه‌های اداری و اجرائی و رسیدگی به‌موقع و فوری به مسائل و مشکلات مستحدثه می‌تواند به بازسازی چهره واقعی این دستگاه که در این سال‌ها موجب هجوم برخی جریانات سیاسی بوده، کمک کند.

۶- تعاملات بین‌المللی و رسانه‌ای معمول در این سال‌ها با همه اقدامات به‌عمل‌آمده نتوانسته است جواب‌گوی تحولات مؤثر در حوزه مبارزه با جرائم اقتصادی، فسادهای مالی، پول‌شویی و مبارزه با تروریسم باشد. نوع مواجهه با مسائل اخیر شائبه‌ها و اظهارنظرهای گمراه‌کننده و تهدیدزایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و بیگانگان ایجاد کرده که باید برای تغییر این وضعیت و گشودن صحنه‌های جدید همت کرد و با ارتباط و تعامل سازنده و هدفمند وضعیت را تغییر داد. طراحی و اجرای دیپلماسی قضائی با استفاده و تعامل با بخش‌هایی نظیر امور خارجه و... می‌تواند جواب‌گوی بخشی از انتظارات موجود در این زمینه باشد.

۷- فاصله‌گرفتن از جریان مخرب سیاسی و جناح‌های قدرت در داخل که بدون توجه به سیاست‌ها و اصول اساسی نظام، شعارهای انقلاب و مطالبات مردمی بعضا به دنبال استفاده از جایگاه این قوه به نفع اهداف و مطامع زودگذر سیاسی خود هستند، این قوه را در مواجهه با واقعیت‌های کشور و جامعه تنها خواهد گذاشت. برخی رفتارها و موضع‌گیری‌های مسئولان در مواجهه با برنامه‌ها و اقدامات سایر قوا و سوگیری‌ها و اعلام مواضعی مشاهده می‌شود که کم و بیش به اهداف تقابلی و خنثی‌سازی سایر قوا منجر و در بین مردم به اختلاف قوا تعبیر شده و از طرف رسانه‌ها نیز به آن دامن زده می‌شود.

۸- روند گذشته نشان داده این قوه از لحاظ روابط عمومی، ارتباطات مردمی، تعاملات رسانه‌ای، گزارشات و رخدادهای خبری و... که امروزه نقش اساسی در جلب و اقناع افکار عمومی و ارتباط‌گیری نزدیک با بخش‌های گوناگون جامعه دارد، نیاز به تقویت دارد و تغییر اساسی این بخش با همکاری عناصر مرتبط و برجسته در حوزه رسانه‌ها و به ویژه صداوسیما و شبکه‌های اجتماعی لازم است.

۹- اکنون آنچه به عنوان قلب سیستم و مرکزیت تحول در نظر برنامه‌ریزان مطرح است، نگاه راهبردی به حوزه سرمایه انسانی به عنوان ستون فقرات و توسعه و توانمندسازی بخش‌های گوناگون قوه به عنوان پهنه میدان است که روش‌ها و برنامه‌های معمول و فرایندهای گذشته و جاری نشان می‌دهد در این مقوله ضعف‌هایی وجود داشته و اجرائی‌کردن مسیرهای پیش‌رو نیازمند توجه و به نوعی بهسازی و بازمهندسی و اجرای برنامه‌های بلندمدت، تخصیص اعتبارات، ارتقای سطوح رفاهی و حقوق و مزایای ارکان و عناصر آن با هدف کلان رشد و بهره‌وری است.

مرور محورهای پنج‌گانه حکم اخیر رهبر انقلاب در انتصاب ریاست جدید قوه قضائیه در موارد زیر علاوه بر این بر اهمیت این دوره نسبت به گذشته افزوده و توجه و پیگیری بیشتری را در محورهای ذیل می‌طلبد:

۱ـ اهتمام جدی به مأموریت‌های اساسی دستگاه قضا در قانون اساسی.

۲ـ ادامه رویکرد تحولی و اجرای سند تحول موجود با اهتمام ویژه.

۳ـ گسترش فناوری نوین و تضمین دستیابی آسان و رایگان مردم به خدمات قضائی.

۴ـ گماردن نیروهای کارآمد و جهادی و فاضل و صالح در مسئولیت‌ها و تربیت مدیران شایسته برای سطوح عالی و میانی قضائی، اداری و... .

ادامه در صفحه ۵

روزنه

انتقاد حسن روحانی از مجلس:

مصوبه ۱۱ آذر سال گذشته نبود از اسفند ۹۹ تحریم نداشتیم

• **شرق:** دیروز، روز «گفت‌وگو و تعامل سازنده با جهان» بود؛ روزی که به مناسبت توافق برجام نام‌گذاری شده و حسن روحانی آن را روزی تاریخی در کشور و یک فعالیت ارزشمند در سیاست و روابط بین‌الملل می‌داند؛ چراکه به گفته او در صد روز اول شروع دولت یازدهم با ۱+۵ به یک توافق موقت رسیدیم و با این کار ادامه تحریم‌ها متوقف شد.

رئیس‌جمهور که در جلسه هیئت دولت سخن می‌گفت، به یک روز دیگر نیز اشاره کرد؛ ۱۱ آذر، روزی که به قول او اگر در آن روز به اصل ۶۰ و ۱۱۳ قانون اساسی احترام گذاشته می‌شد، در اسفند سال گذشته تحریم مردم برداشته شده بود. در این روز مجلس یازدهم طرحی را تصویب کرد که براساس‌آن دولت ملزم شد اگر تا اسفند سال ۹۹، تحریم‌های مالی، بانکی و نفت حذف نشود، اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی توسط ایران متوقف شود و غنی‌سازی ۲۰درصدی را آغاز کند.

روحانی دیروز گفت: «ای کاش همه ما روی اصل ۶۰ قانون اساسی تأکید می‌کردیم و به اصل ۱۱۳ احترام می‌گذاشتیم. در آن صورت شرایط‌مان شرایط دیگری بود و در اسفند ماه مذاکره تقریبا به همین نتیجه‌ای می‌رسید که اخیرا وزیر خارجه در گزارش خوبی، برجام، مذاکره و مقاومت ما تشریح کرده است».

او ادامه داد: «البته ممکن است کسی بگوید این نقطه صددرصد نبوده و مثلا ۹۰ درصد بوده، بله خب آنچه خواست آدم است، در مذاکرات صددرصد نیست. مثل فوتبال که اگر سه بر یک ببریم، برخی‌ها می‌گویند کم بود و کاش سه بر صفر می‌شد. چرا وقتی تیم ملی ما در مذاکرات پیروز می‌شود، سخت‌مان است کف بزنیم و آفرین بگوییم و آنها را در برابر بازیگران صحنه بین‌الملل تشویق کنیم؛ درحالی‌که باید این کار را انجام دهیم و این کار برای این خط و آن خط و این جناح و آن جناح نیست و این دولت و آن دولت ندارد».

براساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی: «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیما به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد». همچنین اصل ۶۰ قانون اساسی، تصریح کرده: «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیما بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزرا است».

روحانی در ادامه گفت: «اگر اصل ۶۰ قانون اساسی مورد احترام بود و در اوایل آذر لطمه نمی‌خورد و اگر ۱۱ آذر را نداشتیم، در اسفند تحریم مردم برداشته شده بود و امروز مردم می‌دیدند چه شرایطی بر کشور حاکم بود و فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر دیگری را می‌دیدیم، به هر حال آن‌قدری که مقدور بوده دولت و وزارت خارجه و بخش‌های دیگر تلاش کرده‌اند و امروز یک سفره آماده است که باید در باز شود و مردم بیایند کنار این سفره بنشینند».

معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری هم در حاشیه هیئت دولت به این موضوع اشاره کرد و به خبرنگاران گفت: «برجام موضوعی اجرائی بود و چنانچه نمایندگان مجلس نظری راجع به موضوع برجام داشتند، قاعدتا باید از ظرفیت‌های دیگر قانون اساسی پیگیری می‌کردند». حسینعلی امیری افزود: «آنچه از صحبت‌های رئیس‌جمهوری برآمد، این بود که حتی برجام موضوعی اجرائی است و تقنینی نیست و اگر اصل ۶۰ قانون اساسی به صورت تمام و کمال انجام می‌شد، برجام به نتیجه رسیده و تحریم‌ها برداشته شده بود».

برای ۶ ماه فرصت ازدست‌رفته متأسفیم

روحانی در ادامه سخنانش در هیئت دولت حسرت روزهای سپری‌شده را خورد و عنوان کرد: «حالا فرصت دولت دوازدهم را از دستش گرفتند؛ اما امیدواریم دولت سیزدهم بتواند این کار را تکمیل کند. فرقی نمی‌کند که دولت دوازدهم یا دولت سیزدهم موفق باشند؛ ولی برای اینکه شش ماه فرصت از دست رفته، بسیار متأسفیم و امیدواریم بتوانیم تا لحظه آخری که سر کار هستیم، به وعده‌های خود عمل کنیم».

او همچنین به دستاوردهای برجام اشاره کرد و گفت: «این حرکت بزرگ در سایه مذاکره ایجاد شد و هر کسی هر حرف دیگری بزند، دروغ است؛ مذاکره بود که ما را به آن نقطه رساند. از طرفی در داخل و خارج تبلیغ می‌کردند که اینها با برجام صنعت هسته‌ای را فروختند و درست است که مشکل PMD و تحریم‌ها حل شده؛ ولی صنعت هسته‌ای از بین رفته است؛ اما دیدیم که صنعت هسته‌ای ما باقدرت باقی ماند».

روحانی ادامه داد: «مذاکره یک پشتوانه می‌خواهد. نمی‌شود مذاکره باشد؛ اما در دورن دعوا باشد یا هدایت‌های مقام معظم رهبری نباشد یا مردم ایستادگی نکنند. آن مذاکرات به این ترتیب پیش نمی‌رود. دیدیم که در آن زمان مذاکره دو سال طول کشید و مردم هم حمایت کردند و ما آنچه باید در سایه مذاکره به دست بیاوریم، به دست آوردیم».